

نکات ضروری

در دوران

بازداشت

و بازجویی

ویژه فعالین دانشجویی

نکات قبل از بازداشت و بازجویی

۱. در مورد لیست اتهاماتی که ممکنه به یک فعال سیاسی و دانشجویی تفهیم بشه، مطلع باشید. غالباً اتهاماتی که در سر فصل "اقدام علیه امنیت ملی" مطرحه. این به شما کمک میکنه که راههای دفاع حقوقی از خودتون رو بلد باشید و بازجو در هنگام بازجویی نتونه از حربه بیاطلاعی و ناآگاهی شما استفاده کنه و به شما مسلط بشه.
۲. به هیستوری گوشی و اکانت‌های مجازی خودتون دقت کنید. روزانه حداقل یک بار هیستوری خودتون رو پاک کنید به خصوص مواردی که فکر میکنید در دسر ساز خواهد بود، به خصوص چتها و گروه‌های مجازی رو حتما رعایت کنید. مسائل مربوط به امنیت اکانت رو لحاظ کنید، مثل پسورد، دو مرحله‌ای کردن و
۳. در مورد کاغذها و بیانیه‌ها و صورت جلسات، خلاصه هارد کپی، سعی کنید در جایی غیر از منزل خودتون نگهداری کنید، حتی صندوق ماشین یا انباری خونه و ...، به هیچ وجه مکان‌های امنی به حساب نمیاد.
۴. تمام پسوردهای موبایل و لپتاب و تبلت خود و اکانت‌های خودتون رو از قبل به یک دوست امین بدهید که بلافاصله بعد از بازداشت، اقدام به حذف اکانت‌ها و پاک کردن هیستوری کند.
۵. اطرافیان خودتون رو آگاه کنید که در صورت بازداشت به سرعت دوستان و هم‌تشکیلاتی‌های شما را مطلع کنند. سعی کنید اشخاصی رو به عنوان امین به خانواده، دوستان یا هم‌خونه‌ای‌ها معرفی کنید که در چنین مواقعی به سرعت بهش اطلاع بدن. معمولاً در هنگام بازداشت، ضابط، خانواده و دوستان رو تهدید می‌کنه که اگر خبری کنید یا دیگران رو مطلع کنید باهاتون برخورد میشه یا به ضرر متهمه اما واقعیت اینه که مطلع کردن هم‌تشکیلاتی‌ها و افراد امین شما، کاملاً به نفع شماست و هیچ خطری هم برای دوستان و خانواده شما نخواهد داشت. در مورد خبری کردن بازداشت هم، غالباً خبری کردن بهتر از خبری نکردن و به کم شدن فشار روی متهم در بازداشت کمک میکنه.
۶. به یک وکیل و وکالت‌نامه بدهید که در صورت بازداشت شما، بتونه روی پرونده فعال بشه و اقدام به رایزنی و کسب خبر از مقامات قضایی بکنه.

نکات قبل از بازداشت و بازجویی

۷. سعی کنید مشروبات الکلی، ورق پاسور و ... رو توی خونه نگهداری نکنید چون این امکان رو بهشون میدید که به عنوان ابزار فشار یا حتی موارد اتهامی ازشون استفاده کنند ولی نگران آبروریزی از این بابت نباشید، معمولا عنوان نمیکنند ولی اگر هم عنوان کنند، مطمئن باشید که جامعه سیاسی چندان نسبت به این موضوعات حساس نیست. سعی هم کنید به عهده نگیرید، مثلا بگید "مهمون داشتیم و اونها جا گذاشتند و ما مصرف نمیکنیم".
۸. روی گوشی حداقل یکی از اعضای خانواده، اپهای ضبط صدا داشته باشید و بین خودتون با دوستان امین یا اعضای خانواده از قبل کد داشته باشید که هنگام تماس از داخل بازداشتگاه، بتونید اطلاعات بیشتری از وضعیت خودتون در اختیارشون قرار بدید.
۹. در مورد شیوه پیگیری، حدود رایزنی، خبری کردن و ...، با دوستان امین و مطلعتون، قبلا گفتگو کرده باشید که در هنگام بازداشت شما، دچار اسیتصال نشوند.
۱۰. اگر در هنگام بازداشت در منزل، لوازمی دارید که فکر میکنید نباید در اختیار بازجویان قرار گیرد، میتونید هوچیگری یا سر و صدا کنید تا تمرکزشون کم بشه، البته ممکنه با رفتار تندشون مواجه بشید اما شانس این رو دارید که با کم شدن تمرکزشون، موفق بشید.
۱۱. عکسها و فیلمهای خصوصی رو حتی المقدور در موبایل یا لبتاپ یا هارد اکسترنال در دسترس نگهداری نکنید. فضاهای ابری امن برای ذخیره این موارد انتخاب بهتریه
۱۲. در هنگام بازداشت از دادن هر گونه پسوردی خودداری کنید، چه با وعده حل شدن پرونده و چه با تهدید، در برابر ارائه پسورد به بازجو یا ضابط مقاومت کنید. مثلا بگید "درخواست شما غیرقانونیه" یا "حریم خصوصی و قانون به شما چنین اجازه‌ای نداده" یا "باید حضوری با وکیل مشورت کنم" و ... هر چقدر زمان بیشتری بخرید، در موقعیت بهتری قرار میگیرید. پسورد خودتون رو بعد از اتمام وقت کافی (حداقل نصف یک روز یا یک روز) فقط به بازپرس پرونده بدید.

چندمقدمه

پیش فرض اول؛ شما با کسانی مواجه هستید که احتمالاً مدتی رو صرف تحلیل روانشناسی شما کرده و از شما اطلاعات ریز و درشت جمع کرده‌اند و اگر هم نکرده باشند سعی میکنند در مدت بازداشت این مراحل رو طی کنند. بازجو تمام تلاشش رو میکنه که با استفاده از تکنیک‌ها و شناختی که از شما داره، به یک رابطه سلطه نسبت به شما دست پیدا کنه.

پیش فرض دوم؛ فارغ از اینکه چقدر به کنشتون اعتقاد دارید، زمان بازداشت، زمان مناسبی برای بازاندیشی به کارنامه فعالیتتون نیست، برای پشیمانی یا تغییر رفتار سیاسی یا آسیب‌شناسی، بعد از بازداشت زمان زیادی در اختیار خواهید داشت. اونجا باید تمرکزتون روی این موضوع باشه که بهترین جواب‌ها برای کمک به خودتون و همراهانتون چی میتونه باشه.

پیش فرض سوم؛ ترس و اضطراب برای همه در چنین مواقعی رخ میده، حتی کسانی که برای چندمین بار با این اتفاق مواجه میشن. پس نیازی نیست خودتون رو شماتت کنید.

پیش فرض چهارم؛ ترس از انفرادی، ضرب و شتم، نگرانی نسبت به خانواده و ... ، طبیعیه و همه تا حد زیادی باهاش مواجه میشن. نیمه پر لیوان اینه که بالاخره از این موقعیت بیرون میاید و ابدی نیست. مطالعه و شنیدن تجربیات آدم‌هایی که این دوران رو سپری کردند، حتماً به شما کمک میکنه.

پیش فرض پنجم؛ بازجو دوست و معتمد شما نیست و خیر و صلاح شما رو نمیخواد، در بهترین حالت ممکنه بازجوی شما کمی منصف باشه. اساس بازداشت شما به خاطر فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز سیاسی محل اصلی دعواست، پس رابطه دوستی و اعتماد بی‌معناست.

پیش فرض ششم؛ خونسردی و صبوری، تلاش برای حفظ اعتماد به نفس و هوشیاری نسبت به تکنیک‌های بازجویی مهمترین ابزار برای بهتر سپری کردن ایام بازداشت است.

بازداشت

اساسا بازداشت به دو صورت، غافلگیرانه به صورت هجوم به خانه و یا بازداشت در مسیر دانشگاه و... و یا غیرغافلگیرانه از طریق احضار انجام میشود.

در صورت بازداشت بصورت غافلگیرانه و در درب منزل، روند دستگیری به این صورت است که با حکم بازداشت، سراغ شما می‌آیند و پس از نشان دادن آن موبایل شما را میگیرند و پس از آن قصد وارد شدن به خانه شما را خواهند داشت تا وسایل شما را ضبط کنند. در هنگام ضبط وسایل تلاش کنید آنچه ضبط می‌شود را متوجه شوید. در صورتی که مادر و یا خانمی در خانه بود درخواست مامور زن کنید و در آخر حکم بازداشت را به دقت بخوانید.

پس از بازداشت به سمت بازداشتگاه میروید و پذیرش می‌شوید و به شما لباس داده می‌شود و به سلول انفرادی می‌روید. پس از آن معمولا روز بعد به باپرسی میروید و در آنجا تفهیم اتهام می‌شوید و برای شما کفالت یا وثیقه و یا حکم بازداشت یک ماهه تعیین میشود. معمولا بازپرس از شما سوالاتی نیز می‌پرسد که سوالات او میتواند حدود پرونده را مشخص کند. به یاد داشته باشید در صورت تعیین وثیقه و یا کفالت برای شما، مدت بازداشت شما محدود است و ضابط باید هرچه زودتر پرونده شما را تحویل بازپرس بدهد.

بازجویی

بازجویی یکی از مراحل بازداشت است و نه چیزی جدای از آن. از شروع مرحله بازداشت تا ورود به سلول و شروع مراحل بازجویی فرایندهایی رخ میدهد:

در تمام این مسیر از افراد شخصیت زدایی میشود. این شخصیت زدایی الزاما تحقیر، توهین یا ضرب و شتم نمی‌باشد؛ بازجو ممکن است در بهترین حالت یک رفتار سرد همراه با ظن داشته باشد؛ در فرایند بازجویی و بازداشت، اراده فرد از او سلب میشود و زدودن هویت فرد از فرد و فروپاشیدن شخصیت نکته کلیدی در تمام مراحل بازجویی تا بازداشت است.

شما تشنه این هستید که به هویت واقعیتان برگردید و با احترامی که در بیرون از درهای زندان دیده‌اید مورد خطاب قرار بگیرید.

حال اگر بازجو با شخصیت قبلی با شما برخورد کند و به شما احترام بگذارد، در چنین شرایطی این خطر وجود دارد که فرد با خود فکر کند، شرایط خوب است، این آدم با سایر بازجوها متفاوت است و احتمال این فکر ایجاد می‌شود که به آدمی که به من احترام میگذارد چرا باید دروغ بگم! یک چیزی شبیه به حس سمپاتی به بازجو. یعنی چون هویت شما شکسته شده و الان بهت احترام گذاشته میشه پس ادب حکم میکند که من هم با بازجو روراست باشم.

قصد بازجو در اولین قدم به دنبال ساختن پرونده برای شما و سنگین کردن آن است. بازجو دنبال کشف حقیقت نیست. این نکته باید پیشینی در ذهن باشد و این به معنای گفت و گو نکردن با بازجو نیست. اما گفت و گو و حرف زدن با آمار دادن، که باعث ایجاد پرونده برای خودت یا دیگران شود، متفاوت است.

بازجو یا کارشناس شما، از روش‌های مختلفی برای اینکه شما علیه خود و دیگران اعتراف کنید استفاده می‌کند. تلاش کنید که نه بر علیه خودتان و نه دیگران اعترافی نکنید. در این صورت وکلا برای دفاع در پرونده‌ی شما بسیار کار سختی خواهند داشت.

هیچ اطلاعاتی را تا زمانی که مطمئن نیستید دارند را بیان نکنید. مثال: «معمولا روند بازجویی بدین شکل است که بازجو وارد اتاق شده و اطلاعاتی از شما را مطرح می‌کند. این اطلاعات را ممکن است از بازجویی دوستان شما بدست آورده باشند. به جزئیاتی را که از نظر دوست شما اهمیتی ندارد آگاهی پیدا می‌کنند مانند اینکه در فلان روز و فلان ساعت شما و دوستان یکدیگر را ملاقات کرده و گپ زده‌اید. همین را به علاوه اطلاعات دیگر به شما می‌گویند. که شما فلان تاریخ و فلان ساعت در فلان کافه بودید و فلان کرده‌اید و ... در انتها نیز می‌گویند: که ما همه چیز را در مورد شما می‌دونیم اما برای ما مهمه که بدونیم با ما روراستی یا نه. بقیش رو خودت بگو... اگر صادق باشی در قضاوت ما تاثیر می‌گذارد در غیر این صورت مشخص می‌شود با ما عناد داری» در چنین شرایطی معمولا فرد باور میکند و شروع به صحبت راجع به مسائلی می‌کند که فکر می‌کند آنها خبر دارند. درحالی که آنها جزئیات بی‌ارزش را می‌دانند. بنابراین تا زمانی که تایید نشده برای شما که آنها صد در صد نکته مهمی را میدانند، بهش ورود نکرده و انکارش کنید.

بازجویی

حال اگر ثابت شد که آنها موضوع مهمی را میدانند؛ اگر آن مسئله میتواند مصداق پرونده برای شما باشد، انکار یا توجیه و تفسیر کنید و اصطلاحاً سعی کنید رویش ماله بکشید. همه اینها باید به صورت شفاهی باشد. به هیچ عنوان به صورت کتبی یادداشت نکنید. نوشتن هر اعترافی در پرونده دستاویز خیلی محکمی برای بازپرس یا قاضی است که اتهامات را وارد بداند.

مثلاً حتی اگر برای یادداشت هایتان شما را خواستند که نمیشود انکارش کرد هم در مرحله نوشتن انکار کنید.

مراقب جملاتی که مکتوب می‌کنید باشید. هر جمله‌ای که می‌نویسید به عنوان مستند و مدرک در گردش کار شما (گزارش بازجو به بازپرس) مورد استفاده قرار می‌گیرد. هیچ مدرکی به اندازه امضا و اعتراف شما، برای محکوم کردن تان موثر نیست. تا جایی که می‌شود در بازجویی‌ها اسم هیچکس نباید برده شود. سیستم امنیتی همیشه به دنبال کشف روابط شبکه‌های انسانی است. در فعالین دانشجویی نیز به همین منوال است.

بنابراین به دو علت به هیچ عنوان نباید اسمی از کسی برده شود و به گروه و جمع و شبکه‌ای اشاره نشود:

یک) کسی که بازجویی میکند همیشه اتهام اجتماع و تبانی را در ذهن دارد بنابراین کافی است چند نفر را دور هم جمع کند به عنوان گروه جا بزند و اکتی را به اینها نسبت دهد از تجمعی در دانشکده تا خیابان. و تبلیغ علیه نظام یک سال حکم دارد ولی اجتماع و تبانی پنج سال.

دو) کسی که شما را بازداشت کرده برای بازداشت فرد دیگری نیاز به دلیل و مستندات برای قانع کردن بازپرس دارد. که یکی از مستندات اصلی اشاره دیگری به همکاری است. و البته تنها در صورت کتبی بودن مستدل است. حتی ساده ترین و روشنترین موضوعات هم مثل نوشتن اینکه این شماره فلانی است که در فلان تاریخ با من تماس گرفته است.

بازجویی

یک سری سوالات ممکن است در طول دوره ی بازداشتچندین بار تکرار شود. جواب هایی که به هر سوال می دهید را به خاطر بسپارید تا هر دفعه به سوالات تکراری، جواب های مختلفی ندهید.

سعی کنید زودتر خودتان را برای سوالات احتمالی آماده کنید و در ذهنتان آماده ی جوابگویی به سوالات شوید که یک دفعه در مقابل سوالات گفته شده، شوکه نشوید.

یک استراتژی را انتخاب کنید و تا انتها پیش ببرید. انتخاب استراتژی های مختلف در طول بازجویی، فشار را به شما بیشتر می کند. مثلا در ابتدا تصمیم گرفته اید چیزی ننویسید و بر این موضع پافشاری می کنید، اما بعد از یک بازه ای، به صورت مفصل شروع به نوشتن می کنید. این کار موقعیت شما را تضعیف می کند.

اکثریت قریب به اتفاقات سوالاتی که از شما پرسیده می شود، القایی است. القایی به این معناست که بازجو سعی دارد یک اتهامی را از قبل به شما وارد کند. برای مثال می پرسد: شما که در تجمع فلان روز دانشگاه حضور داشتید، راجع به آن توضیح دهید. باید در ابتدا توضیح دهید که اصلا در تجمع حضور نداشته اید تا سوال را بتوانید خنثی کنید.

تکنیک بازجویی

در هنگام بازجویی؛ شما با موقعیت هایی مواجه می شوید که ممکن است قبلا به آن فکر نکرده باشید.

این موقعیت ها بیش از هر چیزی ممکن است ما را آسیب پذیر جلوه دهد:

یک) بازجو لزوما همیشه قرار نیست توهین کند و از ابزارهای فشار جسمی و روحی استفاده کند، گاهی این روند بالعکس است و بازجو تلاش می کند تا با قرار دادن «هندوانه زیر بغلتان»، از شما حرف بکشد. این ترفند در بسیاری مواقع باعث می شود که متهم وارد بازی ای بشود که نسبت به آن آگاهی ندارد، خام تعاریف و یا تحقیر ها نشوید و سکوت کنید.

دو) فضا و شرایط آنجا ما را در موضع ضعف قرار می دهد مثل اینکه چشمبند دارید، رو به دیوارید، بازجو پشت سرت هست، ترس و واهمه آن لحظات و... . بازجو هم از این موقعیت استفاده می کند، گفتمان مخصوص به خود را آغاز می کند که یک دستگاه استدلالی می آورد که ما در آن قضاوت می شویم و محکومیم. اگر نتوانید در برابر آن استدلال ها مقاومت کنیم یا پاسخی داشته باشیم، به احتمال خیلی زیاد وضعیت بدی ایجاد خواهد شد.

سه) در بازجویی باید به کمترین میزان لازم اطلاعات و داده هایتان را روی کاغذ بیاورید، در اصل، تا آنجایی که می توانید جواب های کوتاه و سربالا بدهید. مختصر جواب دادن خیلی عنصر مهمی است چرا که باعث می شود حرفی نزنیم که بعدا بر علیه خود ما استفاده شود.

چهار) تصور نکنید که اگر زودتر و حجیم تر اطلاعات خود را مکتوب کنید، پرونده ای برای شما تشکیل نمی شود، به بازجو قرار نیست اعتماد کنید، به همین خاطر هر چه که اطلاعات کمتری را مکتوب کنید، احتمال اینکه بعدها اتهام سبک تری متوجه شما بشود بیشتر است.

پنج) تصور نکنید که آنها همه چیز را می دانند و اگر حرفی نزنید، فقط باعث شده است که اتهام سنگین تری متوجهی خودتان بکنید. بازجو می خواهد این تصور را درون شما ایجاد کند که از همه ی زندگی شما خبر دارد، اما اینگونه نیست. آنها طوری در صحبت هایشان بازنمایی می کنند که انگار کل زندگی شما در دستان آنهاست. پس نترسید و به خودتان مسلط شوید. این یک بازی روانی است.

شش) تهدید و تحقیر و سرزنش یک امر همیشگی در روند بازجویی هاست. به شما می گویند که «زندگیتان را برای چه به خطر می اندازید»، «ارزشش را ندارد»، «دوستانتان در حال تفریح و سرگرمی هستند و شما این گوشه گیر افتاده اید»، به زندان های طویل المدت و برخوردهای فیزیکی هم ممکن است تهدید شوید. به اینکه زندگیتان را از شما می گیرند و نمی گذارند درس بخوانید. بهترین راه این است که سکوت کنید و چیزی نگویید و ننویسید، چرا که دادن اطلاعات بیشتر، واقعا به شما آسیب بیشتری می زند.

هفت) احساسات شما ممکن است در این شرایط به بازی گرفته شود؛ «خانواده ات حالشون بده و سخته می کنند الان»، «مادرت همیشه در حال گریه کردنه، به خاطر اون همکاری کن»، «دلت میاد با خانواده و اطرافیانت اینکارو می کنی بهتره زودتر همکاری کنی که بری پیششون»، و...

هشت) هر کسی که ممکن است بازداشت شود مطمئنا می داند که خانواده اش نگرانش هستند اما بیش از هر چیزی این مهم است که بدانیم تمام این حرفها برای آسیب زدن به ماست و باید با این آگاهی با آن مواجه شویم. چرا که در بسیاری از مواقع دروغ و اغراق هایی هم از طرف بازجو به متهم گفته می شود تا او را آسیب پذیرتر کند. (به متهمین درموردی به دروغ گفته شده کسی از اعضای خانواده فوت کرده است)

نه) به شما ممکن است پیشنهاد همکاری کردن بدهند، مثلاً بگویند بهتر است که ما با هم تعاملاتی داشته باشیم در آینده، یا به شما بگویند که اگر کاری برای آنها انجام بدهید، زودتر آزاد می شوید. همیشه این را به یاد داشته باشید که اگر اینکارو بکنید هیچ وقت نمی توانید از این موقعیت خلاصی پیدا کنید و برای شما اتفاقات دیگری رقم می خورد که بسیار ناخوشایند است.

ده) ممکن است که نوشته هایی از دوستانتان را به شما نشان بدهند که علیه شما اعتراف کرده اند. به هیچ وجه گول نخورید، مهم نیست که دوست شما چه گفته (حتی اگر واقعی باشد)، مهم این است که شما وارد این بازی نشوید و حرفی نزنید. بگویید هر کسی می تواند هر چیزی بگوید و من اطلاعی از این موضوع ندارم. نکته مهمی که باید بدانید اینکه صدا، عکس، و اعتراف دیگران علیه شما، مدرک قطعی و قانونی برای محکومیتتان نیست.

یازده) ممکن است به شما بگویند که دوستانتان در بازجویی های مشابه در مقابل فشارها شکسته اند و فقط ما هستیم که مقاومت بیهوده از خود نشان می دهیم. این کار باعث می شود حس بی اعتمادی و صف ناپذیری در وجود شما رخنه کند و شما را تبدیل به افرادی تنها تبدیل می کند که احساس تنهایی از دستاوردهای برخوردار امنیتی است

دوازده) ممکن است بازجو برای تحت فشار قرار دادن شما از یک حربه‌ی دیگر استفاده کند و وارد زندگی شخصی شما شود. به هیچ وجه نگران نباشید، هر چه قدر بیشتر نسبت به این موضوع واکنش نشان دهید، از این منفذ بیشتر برای آزار شما استفاده می‌کنند. خودتان را تا آنجایی که می‌توانید بی تفاوت نشان دهید

بحث خیلی مهم در بازجویی واکنشی نشدن است. نباید اجازه دهید طرف مقابل بر شما مسلط شود. آنها همیشه تلاش دارند که شما را بشکنند که خودتان علیه خودتان حرف بزنید و قدرت دفاع از خود نداشته باشید. اگر نتوانند چنین کنند سعی میکنند شما را واکنشی کنند تا ادبیات شما تند شود و... .

خلاصه اینکه حتی در آن شرایط هم باید کنشگر بمانید. و با منطق خود بازی را ادامه دهید. حتی در بدترین حالتها هم یعنی اگر کار به کتک زدن شما هم رسید نباید واکنشی نشان داد و باید با همان منطق خود ادامه داد

بدانید که...

روابط عاطفی شما منجر به تشکیل پرونده برای شما نمی شود. پس اگر رابطه‌ای دارید که خانواده‌ی شما در جریان نیستند نگران نباشید که این موضوع باعث تشکیل پرونده‌ی جدیدی برای شما بشود.

همواره باید افراد امنی را انتخاب کنید که بعد از بازداشت با خانواده‌ی شما و باقی دوستانتان ارتباط داشته باشند و بدانند که شما چگونه فکر می کنید تا بتوانند در تصمیمات بیرونی، موثر باشند.

باید در ذهنتان سعی کنید طبقه بندی‌ای از اطلاعاتی ایجاد کنید که لازم به گفتن آنها هیچ وقت نیست، اطلاعاتی که ممکن است در صورتی که خیلی نیاز شد بیان کنید و اطلاعات بی ضرر برای مثال راجع به افراد دیگر هیچ وقت نباید اطلاعاتی به بازجو بدهید. دوستان نزدیکتان را تنها بگویید دوستم هستم (مثلاً) و یا همکار من در پروژه‌ی علمی درسی است و اطلاع بیشتری ندارم. در مورد بخش دوم، هیچ وقت لازم نیست اذعان کنید که در تجمعی حضور داشته اید، مگر اینکه عکس و فیلم شما به وضوح و شفافیت، موجود باشد. اگر مجبور به گفتن هم شدید، نیت شما برای حضور در هر تجمعی اهمیت دارد: «برای این رفته بودم که دوستانم را ببینم و قصد دیگری نداشتم». اطلاعات بی ضرر هم مثل اینکه چه غذایی دوست دارید و یا به چه رشته‌ای علاقمندید!

منطق گفت‌وگو

برای تمام کارهایی که کرده‌اید دلیل و توجیه داشته باشید که بتوانید در مقابل قدرت استدلالی طرف مقاومت کنید. و تمام وقت حواستان باشد که با منطق بازجو به مسئله ورود نکنید و گفتار خود را دنبال کنید. هر وقت سعی کرد با استدلال خودش نتیجه‌ای بگیرد شما باید زمین بازی را تغییر دهید و مقدمات خود را بچینید و از خود دفاع کنید.

مثلاً «میگویند چرا فلان کار را کردید درحالی که میدانستید رسانه‌های آن ور سواستفاده میکنند آسیب به سیستم وارد میشود و... شما نیاز دارید با منطق عدالت، منطق آزادی و هر منطق دیگری که تا حدی شما و دیگری را به هم پیوند میدهد را آغاز کنید ولی نتایج خودت را استخراج کنید. مثلاً بیان این جمله: که عدالت حکم میکند که همانطور که شما و بچه‌های بسیجی حق دارند در دانشگاه حق دارند برنامه بذارند و تجمع کنند ما هم به عنوان شهروندان این مملکت و دانشجویان دانشگاه چنین حقی داریم»

از استدلال‌هایی هم که در بحث‌ها و جمع‌های خود می‌کنید هم نباید استفاده کرد. ممکن است برخورد خشنی نشان دهد که مجبور شوید بگویید اشتباه کردم که این خود بازی جدیدی را شروع میکند. پس تا جایی که می‌شود یک انسجامی در کلامت باید داشته‌باشی و نباید از موضعت عقب نشینی کنی. چون اگر بفهمند منطق هارمونیک و مستدلی نداری سعی میکنند با قدرت بیشتری تو را عقب ببرند.

حقوق شما

شما حق و حقوقی دارید، در هر موقعیتی هم که باشید باز هم به آن باید آگاه باشید.

در هنگام بازداشت تا ۲۴ ساعت بعد توسط بازپرس، باید تفهیم اتهام بشوید. به حرف های بازپرس و اتهاماتی که به شما زده می شود و مصداقش دقت کنید، اتهامات را رد کنید. اگر در هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته اید یا به شما توهین شده، به بازپرس گفته و اعتراض خودتان را مکتوب کنید. بگویید می خواهید تلفن کنید. اگر بیماری و مشکل جسمی دارید بیان کنید و بر موضع خودتان پافشاری کنید.

حقوق شما در بازداشتگاه، تلفن با خانواده، هواخوری هر روزه، استفاده از سیگار در هواخوری، گرفتن قرآن و یا مفاتیح و گرفتن مسواک، لباس زیر و پودر لباس شویی. مهمترین این حقوق در تلفن است که برای تلفن اول بسیار فشار آورید و همیشه استفاده از تلفن را طلب کنید.

در صورت احساس بیماری حتما درخواست دکتر کنید. اینگونه مسائل از حقوق بدیهی شماست

در تمام مدت بازداشت، از بدنتان غافل نشوید؛ بدن تنها عنصر شناختی است که همواره حی و حاضر است؛ مثلا در سلول نرمش کنید.

در مدت حضور در بازداشت (انفرادی) خود را با صحبت کردن خیالی، قرآن خواندن، بازسازی خاطرات و دوش گرفتن در صورت وجود حمام در داخل سلول و... مشغول نگه دارید.

حضور در تجمعات و گروه و دسته؛ برای شما اتهام های سنگین تری مثل اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی یا عضویت در گروه و دستجاتی به دنبال می آورد، پس زیر بار آن همانطور که گفته شد تا جای ممکن نروید.

حقوق شما

شما ممکن است مدت بازداشت خود را در انفرادی سپری کنید. در انفرادی هم می توانید درخواست کتاب و قلم و خودکار کنید. اگر سردتان یا گرمتان هست به نگهبان اطلاع بدهید. لباس تمیز به تعداد لازم درخواست کنید.

حق هواخوری هم دارید و اگر شما را به هواخوری نبرند، اعتراض کنید. ممکن است به هیچ کدام از این درخواست ها و اعتراضات در نهایت پاسخ درخوری داده نشود، اما شما این درخواستها را تکرار کنید. بالاخره در یک زمانی به خواسته های شما پاسخ داده می شود.